

بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن با تأکید بر نقش فرهنگ ایثار

شاهرخ سالاریان^۱، سیدعبداله اصفهانی^۲

محمد شفیق اسکی^۳

چکیده

یکی از عوامل مهم و بسیار تأثیرگذار در مهندسی فرهنگی کشور، روشن‌سازی جایگاه دین در مهندسی فرهنگی است. تعیین معنای دین و فرهنگ، قلمرو دین و فرهنگ و خاستگاه این دو از مهمترین مباحثی است که به کشف رابطه دین و فرهنگ کمک می‌کند در عصر حاضر با تحولات و پیشرفت‌های صورت‌گرفته اندیشمندان و جامعه‌شناسان در تمام جوامع بشری این نیاز را احساس کرده‌اند که فرهنگ فردی و اجتماعی مانند سایر علوم نیاز به برنامه‌ریزی و مهندسی دارد. زندگی اجتماعی و توجه به روح جامعه و ترویج فرهنگ ایثار یکی از اساسی‌ترین تعلیمات قرآن است. هدف از این پژوهش بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن و روایات با تأکید بر فرهنگ ایثار است. در این پژوهش به روش توصیفی نگارش شده و اطلاعات آن به روش کتابخانه گردآوری شده است و یکی از نتایج این مقاله این است که برای داشتن جامعه قرآنی با فرهنگ ایثار باید فرهنگ به صورت کاملاً مهندسی شده توسط دولت برنامه‌ریزی گردد و با اجرای برنامه‌های مدون موجب سرلوحه قرار گرفتن آموزه‌های قرآن و سنت در زمینه ایثار در تمامی زندگی و امور اجتماعی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی

آسیب‌شناسی، ایثار، فرهنگ، قرآن، مهندسی فرهنگی

۱. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی و مربی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)

shahrokh56salarian@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیات علمی دانشکده علوم قرآنی امل و دکتری علوم قرآن و حدیث

esfahaniquran@gmail.com

M.shafiqh@cfu.ac.ir

۳. استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان و دکتری فقه و حقوق

۱. مقدمه

فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی، مجموعه دستاوردهای نظری و فکری است که قابلیت اکتساب داشته و براساس موازین الهی و از طریق همسان کردن رفتارها و ارزش‌ها و هنجارها در جامعه موجب انسجام یک جامعه با فرهنگ متعالی می‌شود و نیز به سبب نوع نگرش، بستری از کمال و حرکت به سوی قرب الهی را برای افراد مهیا می‌سازد. این امر، جامعه با فرهنگ متعالی را از جوامع دیگر متمایز می‌سازد؛ به تعبیر دیگر فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی ارزش‌هایی را مطرح و نهادینه می‌سازد که در آن افراد یک جامعه به منظور تحقق خواست‌ها و اهداف الهی خود براساس ارزش‌های الهی حاضر به جان فشانی و حضور در تمامی صحنه‌های مورد نیاز می‌شوند.

یکی از مشکلاتی که تاکنون وجود داشته و از گذشته دور رنگ کهنگی به خودش نگرفته است مسأله تغییر به وضعیت مطلوب است. تغییر در همه پدیده‌های جهان جریان دارد و این تنها به طیف خاصی محدود نیست. تغییر پیش از پیدایش بشر وجود داشته و همیشه نیز وجود خواهد داشت. در غیر این صورت، در هر موقعیت و لحظه از زمان، انتقال به زمان و شرایط بعدی ممکن نخواهد بود. بشر همیشه درصدد ایجاد تغییرات مثبت، مهار تغییرات منفی و مبارزه با آثار آن بوده است و سعی نموده است که تغییرات را مدیریت نماید تا از آثار زیان بار آن در امان بماند. و یکی از آشکارترین این تلاش‌ها در شناخت فرهنگ شکل گرفته است، زیرا لازمه هرگونه برنامه اصلاح‌گرایانه و تحول‌آفرین برای رشد و ایجاد وضعیت مناسب‌تر برای بشر، اصلاح فرهنگ موجود (یا مهندسی فرهنگ) و تلاش برای تشکیل فرهنگ مطلوب است که این مقاله تأکید بر فرهنگ ایثار دارد.

هویت و حیات انسان به فرهنگ گره خورده است. انسان‌ها در فرهنگ زاده می‌شوند، زندگی می‌کنند و رشد می‌یابند و می‌میرند. همان‌طور که انسان‌ها برای تنفس سالم در زیست محیط فیزیکی، باید محیطشان را سالم و شاداب نگاه دارند، آن را پیوسته آفت‌زدایی کنند، از عناصر مزاحم بپالایند، برای تأمین و افزایش اکسیژن

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

مورد نیاز در آن، تلاش نمایند. به تناسب موضوع، برای سالم نگاه داشتن، پیراستن و پالودن فضای تنفس فرهنگی به مهندسی این فضا یا به عبارتی به مهندسی فرهنگی نیاز دارند؛ چون گفتیم: فرهنگ نیز، نوعی محیط زیست قلمداد می‌شود. همان‌طور که هر گونه کاستی و آلودگی و نقص در محیط زیست به مسموم شدن این فضا و در نتیجه به برهم خوردن توازن و تعادل زندگی طبیعی انسان‌ها و جانوران می‌انجامد و بنابراین تصفیه، پاک‌سازی، پیرایش و نشاط‌انگیز ساختن محیط زیست ضروری است، فرهنگ و محیط فرهنگی نیز در صورت خارج شدن از توازن طبیعی و آسیب دیدن سلامت و صفای آن، موجب پریشانی و برهم خوردن تعادل اجتماعی، روحی، اخلاقی و معنوی در زندگی انسان می‌گردد و لذا اگر آن را نپیراییم، نیاراییم و نشاط‌انگیز و دلپذیر نکنیم، از لحاظ فرهنگی پژمرده خواهیم شد و به افسردگی و احیانا مرگ فرهنگی دچار خواهیم گشت. ضرورت و اهمیت مهندسی فرهنگی یا به عبارتی اهمیت پیرایش و آرایش، ارتقاء و تکامل فرهنگی و فرهنگی‌سازی شئون مختلف جامعه، به اندازه‌ای است که باید آن را هم‌سنگ بلکه فراتر از مسأله مرگ و زندگی طبیعی برای انسان‌ها تلقی نمود. جامعه‌ای که به هر دلیل و چه بسا به خاطر هجوم فرهنگ بیگانه، فرهنگش آلوده، مسموم و منحط شده یا از هویت دینی، ملی و تاریخی‌اش فاصله گرفته باشد، درست همانند موجودی آبی است که در آب آلوده یا در مایع دیگری جز آب، شناور شده باشد و به‌طور طبیعی، دیر یا زود، مرگ آن فرا خواهد رسید! در قرآن مستقلاً واژه فرهنگ بکار نرفته است در قرآن واژه فرهنگ به عنوان زبان قوم به کار رفته است «و ما أرسلنا من رسول إلا بلسان قومه لیبین لهم^۱» (ابراهیم ۴). در این زمینه بعثت پیامبران الهی و نزول کتاب‌های آسمانی، نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی را در دستیابی انسان به این هدف ایفا کرده است. طبعاً از آنجا که هر فرهنگی دارای مؤلفه‌های متعددی همچون منابع، مبانی و مبادی

۱. مایمیران را نفرستادیم، مگر با زبان قوم خودشان سخن بگویند.

❖ و ویژگی‌های خاص خود است، لازمه اصلاح فرهنگ و دستیابی به فرهنگ مطلوب، ایجاد تغییرات مناسب در منابع، مبانی، ویژگی‌های آن فرهنگ، همراه با بکارگیری روش‌های مناسب می‌باشد.

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

۲. پیشینه پژوهش

در طول سالیان گذشته و مخصوص از ابتدای انقلاب اسلامی تالیفاتی در خصوص فرهنگ و مسائل فرهنگی اسلامی ایرانی نگارش یافته است ولی بعد از تأکید مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۱ در خصوص تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور به منظور مقابله با تهاجم گسترده فرهنگی دشمنان و تأکیده‌های فراوان در سال بعد، شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان مسئول تدوین نقشه مهندسی کشور به طور رسمی از سال ۱۳۸۶ به تدوین نقشه مذکور می‌پردازد و همزمان محققان و پژوهشگران به دلیل نو بودن موضوع به این سمت گرایش پیدا نمودند و دست به قلم برده و مقاله‌ها و کتابهای متعددی را در این زمینه از منظر دیدگاه خود به رشته تحریر درآوردند که در ادامه همین مطلب برخی از این مقاله‌ها و کتابها برای نمونه ذکر می‌شود:

کتابها:

۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۳؛
۲. علمداری، شهرام، جامعه آماده، تهران، انتشارات نو اندیشان آریا؛
۳. علمداری، شهرام، ناتوی فرهنگی، تهران، انتشارات رضویه؛
۴. پیروزمند، علیرضا؛ شیده صادقی، چیستی فرهنگ و چگونگی تغییرات آن (پیش نیاز مهندسی فرهنگی)، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی و چندین کتاب دیگر.

مقاله‌ها:

بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن... ❖ ۱۴۳

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

۱. توسلی، غلامعباس، بحران مدیریت فرهنگی، ۱۳۸۱، فصلنامه بازتاب اندیشه شماره ۳۳؛
۲. نیک آفرین، مهدی؛ جان احمدی، فاطمه، پیامدها و نتایج مهندسی فرهنگی امام صادق^(ع)، بهار ۱۳۹۲، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۰؛
۳. پیروزمند، علیرضا؛ جمال مصطفی، الگوی طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور، آذر ۱۳۸۵؛
۴. ناظمی اردکانی، مهدی، مبانی مهندسی و مدیریت فرهنگی سازمانها، زمستان ۱۳۸۸، فصلنامه راهبرد توسعه و چندین مقاله دیگر.

۳. تعاریف و مفاهیم

۳-۱. تعریف لغوی و اصطلاحی فرهنگ

واژه فرهنگ از دو جزء ترکیب شده است (فر) و (هنگ) «فر» به دو معنی است: اگر به عنوان یک واژه مستقل باشد به معنی نیروی معنوی، شکوه، عظمت، درخشندگی و جلال است ولی اگر به عنوان یک پسوند باشد، در این صورت به معنی جلو، بالا، و پیش و بیرون است.

«فر» در ترکیب کلمه فرهنگ، (هنگ) از ریشه اوستایی (تنگ thang) به معنای کشیدن و فرهیختن (ادب آموختن) می‌باشد. همچنین به معنی فرهنگ است، که همان علم و دانش و ادب است (تیریزی ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۴۱۸).

واژه فرهنگ علاوه بر علم و دانش، معرفت، ادب، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت است (عمید، ۱۳۶۵، ج ۳: ۱۸۳۷) فرهنگ در لغت به معنی تعلیم و تربیت است (عاملی، بی تا: ۶۵).

فرهنگ خاص انسان است و این نکته که تنها انسان دارای فرهنگ است، مورد تأیید همگان است. با این نگاه «فرهنگ مجموع روشها، آداب و رسوم، ارزش‌های یک اجتماع معین که متضمن نظام اقتصادی اجتماعی، ساخت سیاسی، علم، دین، تربیت، هنر و سرگرمی هاست» (مشیری، ۱۳۶۹: ۷۶۶).

فرهنگ اساس و پایه اجتماع و سبب پیوند اعضای آن است، شخصیت جمعی و هویت اجتماعی هر جامعه‌ای به فرهنگ آن مستند است (مشیری، ۱۳۶۹: ۱۲۱).

مقام معظم رهبری در تعریف فرهنگ فرمودند:

فرهنگ یعنی خلیات و ذاتیات یک جامعه و بومی یک ملت تفکراتش ایمانش، آرمانش، اینها تشکیل دهنده میانی فرهنگ یک کشور است (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگ، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

بنابراین فرهنگ روح و جان ملت و کشور است. اگر فرهنگ کشور متعالی باشد آن کشور امید به پیشرفت دارد در غیر این صورت باید به اصطلاح فرهنگ خود بپردازد.

۳-۲. ویژگی‌های فرهنگ

فرهنگ دارای ویژگی‌هایی است که می‌توان برخی از آن را در زیر اشاره کرد:

۱. انسانی بودن، فرهنگ حاصل توانایی خاص ذهنی و دستی بشر است؛
۲. اجتماع بودن، فرهنگ عصاره زندگانی اجتماعی است؛
۳. تأثیر و تأثر فرهنگ جامعه و افراد انسانی در یکدیگر تأثیر و تأثر متقابل دارند؛
۴. قابلیت انتقال به عنوان یک میراث فرهنگی یا اجتماعی از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است؛
۵. فرهنگ اکتسابی است؛
۶. دو بعدی فرهنگ یعنی هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی متمایز دارد.

۳-۳. تعریف مهندسی

مهندس معرب همان اندازه در فارسی است و به معنای اندازه گیرنده، تقدیر کننده، محاسب، شماره دار و ... می‌باشد. این واژه در واقع از همان «هندسه» که معرب «اندازه» می‌باشد، گرفته شده است. هندسه را چنین تعریف کرده‌اند: معرب اندازه، القیاس، ... و فی‌الاصطلاح هو علم یبحث فیه عن احوال المقادیر من حیث التقدیر و صاحب هذا العلم یسمى مهندساً. «مهندس» واژه جدیدی نیست که متناسب با رشته‌های دانشگاهی وضع شده باشد، بلکه در ادبیات کهن پارسی بارها بکار رفته است (فخر زارع، ۱۳۹۳: ۵).

۳-۴. مفهوم‌شناسی مهندسی فرهنگی

تعریف مهندسی فرهنگی و شناسایی ویژگی‌های اساسی آن نیازمند مجال گسترده‌ای است. اما به اختصار می‌توان گفت: از آنجا که مهندسی فرهنگی یک واژه مرکب است، بنابراین مانند سایر واژه‌های ترکیبی باید ابتدا هر واژه جداگانه مورد شناسایی قرار گیرد تا از ترکیب دو واژه یک مفهوم روشن به دست آید (ابراهیمیان، ۱۳۹۲: ۱۵۰-۱۲۱). اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ، هر چند جامعه در دیگر ابعاد قدرتمند باشد، پوچ و میان تهی است.

۴-۵. مفهوم ایثار

واژه ایثار: از ریشه «اثر» و باب «افعال» است و به معنای بذل و گذشت کردن از حق خود برای دیگران، نفع دیگری یا دیگران را به خود ترجیح دادن است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱: ۶۷۵). در ایثار، خیرخواهی نهفته است؛ به همین دلیل مقابل خودخواهی است. میل به فایده رسانی و خدمت به دیگران، جلوه‌ای از میل به حق است. رفتاری که از این محرک برمی‌خیزد، به قصد تقرب و در جهت کمک و خدمت به دیگران، همراه با از دست دادن نعمت، فرصت، عمر و امثال آن است. (فارسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۷۸). همچنین ایثار، از خود گذشتگی و مقدم داشتن دیگران بر خود، از ارزش‌های متعالی

❖ اسلامی است (دهخدا، ۱۳۵۲، ج ۵: ۵۴۳). بنابراین، حقیقت ایثار یعنی برتری بخشیدن و مقدم داشتن آن چیزی که فضیلت دارد، است. (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲).

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

ایثار و مشتقات آن، در قرآن در دو معنای متضاد بکار رفته است:

الف) مقدم داشتن مثبت که از بزرگ‌ترین ارزش‌های اخلاقی است؛ مانند این آیه شریفه: «و یؤثرون علی أنفسهم و لو کان بهم خصاصة؛ و [دیگران را] بر خویشتن مقدم می‌دارند، هرچند خودشان نیازمند باشند» (حشر/۹). این کاربرد، همان معنای اصطلاحی ایثار است که عبارت است از: بخشش مال به کسی، با وجود احتیاج شخص بخشنده به آن (نراقی، بی تا: ۲: ۱۲۲). این معنا؛ بیشتر در مقدم داشتن دیگران در امور مالی یا مقدم داشتن خواسته دیگران صدق می‌کند؛ اما ایثار انواع دیگری نیز دارد که بیان خواهد شد. چنان که در مصباح الشریعه، ایثار مثبت چنین تعریف شده است: «أصل الإیثار تقدیم الشیء بحقه؛ ایثار؛ در اصل، مقدم داشتن چیزی است به جا» (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰: ۱۶۴). نکته توجه اینکه؛ از نگاه اسلام، مطلق مقدم داشتن دیگران بر خود در تأمین نیازها و خواسته‌ها، ارزش تلقی نمی‌گردد؛ زیرا ترجیح بدون مرجح و تقدیم نا به جا - چنان که در آداب ایثار خواهد آمد - ارزش نیست.

ب) مقدم داشتن منفی؛ مانند: «بل تؤثرون الحیاء الدنیا و الآخرة خیر و أبقى^۱» (اعلی/ ۱۷ - ۱۶).

۴. مهندسی فرهنگ در جامعه

برای اینکه بتوانیم فرهنگ یک جامعه را مهندسی کنیم نیاز است که عوامل زیر به دقت مورد بررسی قرار داد.

۴-۱. منشاء یک ملت (جامعه)

در جوامع بشری اصل انسان است یا اجتماع و توضیح دهید براساس اصالة الاجتماع، فرهنگ منشا یک ملت است و براساس اصالة الانسان، فرهنگ منشا انسانیت است. کاروان انسانیت

۱. بلکه زندگانی دنیا را ترجیح می‌دهید، در حالی که آخرت، بهتر و پایدارتر است.

همواره از اجتماع عبور کرده، زندگی نوع انسان در آن سپری شده، است، نوعی رابطهٔ همزیستی، همهٔ مردم را به هم مربوط ساخته است. به تجربهٔ تاریخ هیچ ملت، گروه یا فرهنگی نمی‌تواند جدا یا مستقل باقی بماند، چراکه تماس با بخشی از جامعه و دنیا، مستلزم تمام قسمت‌های دیگر است (پورتر، ریچاردو دیگران، ۱۳۷۹: ۲۷).

قرآن مهمترین عامل پیدایش و تداوم اجتماع بشری را در وحدت فرامادی دانسته که مرزهای جغرافیایی، زمانی، خویشاوندی، نژادی و ... را درمی‌نوردد، همه را نیز تحت‌الشعاع خویش قرار می‌دهد (بزرگر کلمیسی، ۱۳۷۲: ۱۹۶) و باعث الفت بین اعضا می‌گردد؛ ... فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا^۱... (آل عمران / ۱۰۳). در نگاه قرآن، ایمان و عقیده مهم‌ترین معیار اتحاد و همبستگی جوامع انسانی است که دیگر عوامل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. هرچه روح توحیدی در انسان قوی‌تر باشد، انسجام اجتماعی بیشتر خواهد بود، نادیده گرفتن بعد معنوی انسان به معنی نفی حقیقت وجود انسان و جامعهٔ انسانی است. گذشته از بعد معنوی، گرایش‌های مختلفی را می‌توان بر منشاء جامعه و زندگی اجتماعی تصور کرد. عده‌ای طرفدار منشاء درونی و طبیعی‌اند و معتقدند که زندگی اجتماعی، ریشه در درون و سرشت افراد بشر دارد؛ مثلاً ارسطو انسان را به حکم طبیعت خود، حیوانی اجتماعی می‌داند که طبیعت او، تمایل به زندگی را در او ایجاد می‌کند (ارسطو، ۱۳۷۱: ۵). فارابی و خواجه نصیر نیز انسان را موجود «مدنی‌الطبع» می‌دانند و سرشت آدمی را سرشتی اجتماعی قلمداد می‌کنند (فارابی، ۱۹۹۶م: ۱۱۴ و طوسی، ۱۳۶۰: ۲۵۰-۲۴۹) که بالطبع محتاج اجتماع است. شهید مطهری نیز معتقد است از برخی آیات چنین استنباط می‌شود که اجتماعی بودن انسان، در متن آفرینش او پی‌ریزی شده است. اختلاف و وجه افتراق انسان‌ها برای نیازمندی آنان به یکدیگر قرار داده تا زمینهٔ زندگی به هم پیوستهٔ اجتماعی که امری طبیعی است، فراهم آید (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۱). این آیات عبارتند از: «یا ایها

۱. و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید...

❖ الناس إنا خلقناكم من ذكر وأثى وجعلناكم شعوبا وقبائل لتعارفوا...^۱ « (حجرات / ۱۳)، «وهو الذى خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا...^۲» (فرقان / ۵۴). در نتیجه، در ساحت مادی، نخستین عامل پیدایش و استقرار زندگی اجتماعی از منظر قرآن را می‌توان در یک جنس بودن دو انسان اولیه و احساس نیاز مشترک آنها به هم بازیافت که به عنوان یک غریزه حیوانی و در کنار آن، عواطف خانوادگی و اجتماعی، با تولد فرزندان و ایجاد ارتباط‌های سببی و نسبی به یکدیگر، عوامل طبیعی جامعه انسانی تلقی می‌شوند (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۴-۲۱).

بنابراین، نخستین حلقه‌های ارتباط انسان‌ها و تشکیل جامعه انسانی در خانواده شکل می‌گیرد: «ومن آیاته أن خلق لكم من أنفسكم أزواجا لتسكنوا إليها وجعل بینکم مودة و رحمة...^۳» (الروم / ۲۱). در عین حال، این روابط موجب نوعی پیوستگی، پیدایش قبایل مختلف و شعوب گوناگون است و پس از آن، زندگی اجتماعی از حد قبایل فراتر رفته، به مرحله ملیت‌ها، رنگ‌ها و اختلاف در آنها منجر می‌شود. این دو عنصر باعث نوعی وحدت میان اعضاء هر یک از گروه‌ها می‌شود: «واختلاف ألسنتکم وألوانکم» (الروم / ۲۲). از نظر لغوی، واژه «جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر «جمع» به معنای گردآورنده، فراهم‌کننده و جمع‌کننده می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق: ۱۴۲).

۴-۲. ارتباط جامعه با فرهنگ

داشتن فرهنگ باعث تفاوت انسان با سایر موجودات شده است. فرهنگ باورها و اندیشه‌ها هنجارهای یک جامعه است، فرهنگ چکیده عصاره زندگی انسان است.

۱. ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید...

۲. او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد...

۳. و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد...

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

فرهنگ شیوه یک زندگی است، فرهنگ سازنده رسومها و آیینها و هنجارهای یک جامعه است (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴).
فرهنگ، الگوهای معنی‌دار و فهم مشترک انسان‌ها برای عمل است. کلیفورد گیرتز^۱ (۲۰۰۶-۱۹۰۶) که بخش مهمی از افکارش در باب فرهنگ، تحت تأثیر ماکس وبر^۲ (۱۹۲۰-۱۸۶۴) بوده است، فرهنگ را مجموعه‌ای از معانی می‌داند که اعضا یا گروه در تعامل با یکدیگر آن را پذیرفته‌اند و بکار می‌برند (نژادسلیم، ۱۳۸۹: ۵۰). برخلاف تعریف نخست، فرهنگ فاقد معنای ارزشی و برخاسته از روابط متقابل عاملان اجتماعی است. فرهنگ ابزاری است که رفتار را معنا می‌بخشد.
درواقع، فرهنگ جامعه که سازنده تاریخ آن است، می‌تواند باعث بقاء یا سقوط آن جامعه شود. قرآن نیز در آیات بسیاری فرجام نیک و بد جوامع پیشین را در نوع فرهنگ حاکم بر آنها که برگرفته شده از حسن یا سوء اختیار آنهاست و به واسطه آنچه که انسان به دست خود می‌سازد، دانسته است: «ظهر الفساد فی البر والبحر بما کسبت أیدی الناس...»^۳ (الروم / ۴۱).

۵. مهندسی فرهنگ در حکومت

۱-۵. جایگاه حکومت در مهندسی فرهنگ

از دیدگاه امام علی^(ع) حاکمیت و نظم سیاسی نه تنها لازم که امری ضروری است. وی در باب ضرورت حکومت می‌فرماید: هر ملتی باید زمامدار داشته باشد، خواه خوب باشد یا بد (خطبه ۴۰: ۹۵) حکومت بد تنها از باب ضرورت پذیرفته می‌شود. به عبارتی درمقایسه با ناامنی، هرج و مرج، قتل و غارت که به واسطه عدم وجود نظم سیاسی پدیدار می‌شوند؛ نظم سیاسی بد، قابل توجیه خواهد بود. امام علی^(ع) در این خصوص

1. Clifford Geertz

2. Max Weber

۳. فساد در خشکی و دریا به دلیل کارهایی که مردم انجام داده‌اند، آشکار شده است...

❖ می‌گوید: در زمامداری ناپاکان مؤمن کار خود را انجام می‌دهد و کافر بهره خود می‌برد و مرگ هرکس می‌رسد. به وسیله چنین حکومت‌هایی مالیات جمع می‌شود، با دشمن مبارزه می‌گردد، راهها امن و حق ضعیف از نیرومند گرفته می‌شود و سرانجام، نیکوکار در رفاه است و ستمگر هم ظلم نمی‌کند (خطبه ۴۰: ۹۵)؛ اما به‌طور طبیعی چنین نظامی فاصله‌بعیدی را با نظم سیاسی اسلام به نمایش می‌گذارد و به معنای سکوت، عدم مخالفت یا اطاعت مطلق از هر نظام سیاسی نیست.

هدف اصلی از حکومت در نظام سیاسی اسلام، اجرای قوانین و حدود الهی، اقامه قسط و عدل، اصلاح امور مردم و به‌طور کلی تأمین و تضمین سعادت دنیوی و اخروی انسان است. امام علی^(ع) در مورد ریاست و مسئولیت جامعه اسلامی می‌فرماید: بار خدایا تو می‌دانی که مبارزه من بر سر بدست آوردن ریاست یا به چنگ آوردن مختصری مال بی‌ارزش دنیا نبوده است؛ بلکه هدف من این بوده که مقررات دینت را توسعه دهم، جامعه را اصلاح کنم تا مظلومان به آسایش برسند و قوانینی که بدون اجرا مانده است، به جریان بیفتند (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۰: ۳۰۴).

۵-۲. خصوصیات حاکم اسلامی

تکبر، خویشتن‌بینی، زورمداری و جورپیشگی از بیماری‌های مهلک جوامع انسانی است. اکثر انسان‌ها به لحاظ روان‌شناختی به‌صورت نهفته این بیماری را با خود دارند و زمانی که قدرتی بدست آورند، این ژن نهفته فعال شده و چنان‌چه با سازو کارهایی مهار نشود، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به بار می‌آورند و جامعه را به ورطه هولناکی هدایت می‌کنند. نخستین آفریده‌ای که به بیماری انانیت دچار شد، ابلیس بود. کبر و غرور او باعث گردید از فرمان الهی سر باز زند و از سجده بر آدم استنکاف ورزد. «چون فرشتگان را فرمودیم بر آدم سجده و خضوع کنید، همه به سجده افتادند، به جز ابلیس که سرباز زد و تکبر ورزید و از کافران شد» (سوره بقره / ۳۴). امام علی^(ع) با شناخت عمیقی که از ماهیت وجودی انسان داشت، این بیماری مهلک را به خوبی شناخته

بود و در موارد متعددی برفی و طرد استبداد و خودکامگی در عرصه‌های فردی و به‌ویژه اجتماعی تأکید می‌ورزید. (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶: ۶۱۰).
امام علی^(ع) برای نجات انسان از این دام شیطانی می‌فرماید: تاج تواضع را بر سر نهید، غرور را زیر پا بگذارید، لباس خودخواهی را از گردن بیرون آورید. تواضع را اسلحه برنده میان خود و دشمن خویش، ابلیس و لشکریانش قرار دهید (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶: ۶۰۰) و عبرت گیرید از آنچه بر مردمان گردنکش پیش از شما رسید (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶: ۶۰۰) اگر قرار بود، خداوند منان اجازه خودخواهی به کسی دهد، این رخصت را به پیامبران مخصوص خویش می‌داد؛ اما خودرأیی و استکبار برای پیامبران ممنوع و فروتنی و تواضع را برای آنان انتخاب نمود (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۶: ۶۰۴).

تواضع و فروتنی و دوری از تملک مداری و سلطه‌گری اگرچه برای هرانسانی لازم است؛ اما برای صاحبان قدرت به طریق اولی ضروری‌تر و واجب‌تر می‌باشد. امام علی^(ع) در موارد متعددی والیان و مسئولان حکومتی را از بیماری مهلک خود رأیی، تمامیت خواهی و استکبارورزی بر حذر می‌داشت. حضرت علی^(ع) به مالک می‌فرماید: ای مالک بداخلاقی، درشت‌گویی و بدزبانی مردم را به جان خریدار باش و در حق آنان سخت‌گیری و قلدری روا مدار تا خدا به پاداش این کار ساحل‌های رحمت خود را بر تو بگشاید و ثواب فرمانبرداری از وی را به تو عنایت کند (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳: ۳۵۲).

امام علی^(ع) نفی استبداد و خودکامگی را تنها متوجه متولیان امور نمی‌کرد، بلکه خود نیز مورد توجه قرار می‌داد و خطاب به مردم می‌گفت: بدترین حالت‌های زمامداران آن است که فکر خودخواهی به مغز آنان راه یابد و اساس کارشان را بر خودپرستی و غرور بگذارند، من دوست ندارم که شما درباره من فکر کنید علاقه به ستایش خود و شنیدن تعریف شما را دارم. سپاس خدای را که من چنین نیستم و اگر دوست می‌داشتم از من ستایش شود به دلیل تواضع نسبت به خدای عزیز که برای تعریف

❖ شایسته‌تر است، آن را کنار می‌گذاشتم. ... شما از من خوب تعریف نکنید، زیرا من خود را در اختیار خداوند شما گذاشته‌ام که بتوانم حقوقی که باید ادا کنم و واجباتی که باید انجام دهم به نتیجه برسانم از گفتن حق و مشورت عادلانه چشم‌پوشی نکنید. من فکرمی‌کنم در حدی نیستم که اشتباه نکنم و به کار خود اطمینان ندارم، مگر آنکه خداوند مرا در کار نفس کفایت کند که از من بر آن توانا تراست (نهج البلاغه، خطبه ۴۰۸: ۵۲۳). بنابراین، از جمله حقوق من بر شما این است که هر کجا اشتباه کردم آشکارا و مخفی پند و اندرزم بدهید (نهج البلاغه، خطبه ۳۴: ۸۸).

۳-۵. رفتار حاکم با مردم و گروه‌های مختلف اجتماعی

گفتار و کردار آن حضرت در مورد توده‌های مردم، الگویی است که همه نظام‌های سیاسی می‌توانند با تاسی به آن، آن را سرمشق خود قرار دهند. امام علی^(ع) در سفارش نامه خویش به محمد بن ابی بکر استاندار مصر می‌نویسد: نسبت به مردم متواضع باش، به آنها احترام کن، با روی خوش با آنان برخورد نما. در نگاه کردن چه کم و چه با دقت میان آنان فرق مگذار تا نیرومندان توقع اضافی پیدا نکنند و نیازمندان نسبت به عدالتی که اجرا می‌کنی مأیوس نگردند (نهج البلاغه، نامه شماره ۲۷: ۶۷۶).

امام علی^(ع) به مالک اشتر نیز اندرز داده و می‌نویسد:

«ای مالک بهترین کارها در نظرت باید عملی باشد که به حق نزدیکتر و برای گسترش عدل مفیدتر و برای جلب خشنودی مردم جامع‌تر باشد. ... تنها مردم‌اند که ستون دین، مجتمع فشرده مسلمین و نیروی آماده در برابر دشمن هستند. بنابراین، باید هوای آنان را داشته باشی و گرایش تو به مردم باشد» (نهج البلاغه، نامه شماره ۲۷: ۶۷۶). «زیردستانی که بیش از دیگران دنبال کشف عیوب مردم هستند، باید نسبت به تو از همه عقب‌تر باشند و بیش از دیگران منفور، زیرا در بین مردم عیب‌هایی موجود است که استاندار برای پوشاندن آن سزاوارتر است. بنابراین، به فکر کشف عیوبی که از تو پنهان بوده است، نباش. تو وظیفه داری عیب‌هایی که مشاهده می‌کنی تطهیر کنی و

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

آنچه از تو مخفی مانده، خدا درباره آن قضاوت خواهد کرد. وظیفه تو این است که تا آنجا که می‌توانی عیب‌های مردم را بیوشانی تا خدا عیب‌هایی را که داری و دوست می‌داری خدا آنان را مستور دارد، بیوشاند. عقده تمام کینه‌های مردم را بگشا، ریشه تمام دشمنی‌ها را از خود دور کن، آنچه را که برای تو روشن نیست نادیده بگیر. در قبول کردن حرف بدگو عجله نکن، زیرا سخن‌چین حيله‌گر است، هرچند در قیافه اندرز گویان درآید» (نهج‌البلاغه، نامه شماره ۲۷: ۶۷۶).

نکته مهم دیگر در چگونگی رابطه زمامدار با مردم، شفافیت، عدم پنهان کاری و دوری مسئولان از مواضع تهمت است. در این باره پیامبر اکرم^(ص) توصیه به دوری و پرهیز از مواضع تهمت می‌کند. امام علی^(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌نویسد: «اگر مردم به تو بدگمان شدند و تو را در موضوعاتی متهم کردند با بیان روشن دلیل خود را بیان کن و سوءظن آنها را با بیان دقیق برطرف گردان، زیرا تو با این کار برای خودت پاداش در نظر گرفته‌ای و نسبت به مردم خود هم لطف کرده‌ای و با این عذرخواهی به هدف خویش که راه یافتن آنان به حق است دست یافته‌ای» (نهج‌البلاغه، نامه شماره ۲۷: ۶۷۶) آگاه باشید که حق شما این است که من همه اطلاعات را غیر از اسرار جنگی از شما پنهان ندارم و هیچ مطلبی را از شما مخفی نکنم (نهج‌البلاغه، نامه شماره ۵۰: ۷۵۶) و مهمتر از اینها بی‌پروایی در ریختن خون مردم است. امام علی^(ع) در این خصوص نیز مالک اشتر نخعی را انذار داده و می‌فرماید: «ای مالک در ریختن خون مردم بی‌پروا مباش و آن را به ناحق مریز، زیرا بدون تردید گناهی به انتقام نزدیکتر، به کیفر و عکس‌العمل سهمگین‌تر، به نابود ساختن نعمت و به سر رسانیدن قدرت، از خون به ناحق ریختن نیست. روز قیامت خدا دادرسی خود را با قضاوت در میان بندگانی که با خونریزی ارتباط داشته‌اند آغاز می‌کند. بنابراین، مواظب باش قدرت خود را با ریختن خون مردم تقویت نکنی که این کار به تزلزل حکومت و تضعیف آن کمک می‌کند، بلکه قدرت را ریشه کن می‌سازد و آن را به سقوط می‌کشاند. در پیشگاه خدا و من در قتل عمد عذری نداری، زیرا در قتل عمد

❖ قصاص موجود است. اگر در مجازات به خطا افتادی و تازیانه یا شمشیر یا دستت در کیفر دادن به خطا رفت، مواظب باش که غرور ریاست تو را نگیرد و از پرداخت دیه به بازماندگان مقتول سرپیچی نکنی (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۰: ۷۹۶).

۵-۴. برخورد حاکم با منتقدان، مخالفان و معاندان

چگونگی مواجهه حضرت علی^(ع) با منتقدان، مخالفان و معاندان بسی درس آموز است. وی نه تنها برمنتقدان خرده نمی‌گرفت، بلکه عمل انتقادی را دارای ارزش می‌دانست. امام در عهدنامه مالک اشتر یادآوری می‌شود که ای مالک از میان آنان [مردم] کسی را به خودت نزدیک کن که حرف حقی را که تلخ است به تو بهتر و بیشتر بزند. در گفتار و کردارت که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد کمتر تو را ستایش کند هر چند این کار تو را ناراحت نماید و دل‌تنگ شوی (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۳: ۷۶۸).

گفتار و کردار امام علی^(ع) با مخالفان و معاندان نیز دارای آموزه‌هایی شگفت است. علی^(ع) در مقابل تندروی‌ها و مخالفت‌های خوارج از جاده انصاف، عدالت و آزادی خارج نشد و برآزادی‌ها و حقوق این گروه که از مخالفان و دشمنان سرسخت بودند، پای فشرد و به آنان گفت: بدانید که شما نزد ما سه حق دارید و تا هنگامی که همراه ما هستید آنها را از شما باز نمی‌گیریم؛ شما را از مساجد خدا که نام او را در آنها بر زبان می‌آورید منع نمی‌کنیم، شما را از درآمد عمومی و غنایم تا زمانی که دستتان در جنگ همراه ماست محروم نمی‌سازیم و تا جنگ با ما آغاز نکرده‌اید با شما نمی‌جنگیم (تهرانی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

امام علی^(ع) بارها و بارها به وفای به عهد تأکید می‌نمودند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به پیمان‌ها و قراردادهای خود وفا کنید (سوره مائده / ۱). به پیمان‌های الهی، آن گاه که پیمان بستید وفا کنید و سوگندها را پس از استوار کردن مشکئید درحالی که خدا را کفیل و ضامن برسوگند خود قرارداده‌اید. یقیناً خدا از آنچه انجام می‌دهید آگاه است (سوره نحل / ۹۱) واجب شمرد و از پیمان شکنی که خواسته خوارج بود، سرباز زد.

۵-۵. عدالت اجتماعی

اجرای عدالت و قراردادن هر چیز در جایگاه خویش در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از نکات کانونی و محوری اندیشه و عمل سیاسی در دوره زمامداری امام علی^(ع) است. عدل میزان و معیاری برای اسلام، ملاک سیاست و هدف اصلی و غایی حکومت اجراء و گسترش عدالت است. زمانی نشانه‌ها و علائم عدالت بدون هیچ‌گونه اغراق ظاهر می‌شود که حق در جامعه محترم و حاکم گردد (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۷: ۲۵۶) و عدالت زمانی فراگیرتر می‌شود که امور فراتر و فروتر از حق نباشد (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۷۶۵). چرا که در اجرای عدالت آسایش است و کسی که طاقت عدل را نداشته باشد، به طریق اولی طاقت ظلم را هم نخواهد داشت (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵: ۴۹). زیبایی سیاست، عدالت در حکومت است و برترین موضوعی که موجب روشنایی چشم زمامداران می‌شود، برقراری عدالت در همه سرزمین‌هاست.

۶. مهندسی فرهنگ در خانواده

۶-۱. ازدواج در اسلام

در دین اسلام برخی موضوعات با وجود اینکه واجب شمرده نشده‌اند، ولی آن قدر تأکید به آنها شده است که انجام ندادن آنها کمتر از سرپیچی از فعل واجب نیست. یکی از مواردی که به شدت در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است موضوع ازدواج است که آیات فراوانی در باب آن نازل شده است. ازدواج علاوه بر آرامشی که برای طرفین ایجاد می‌کند، پایه و بنیان جامعه را محکم‌تر می‌کند. در قرآن کریم، در آیات بسیاری به ازدواج اشاره شده است. برخی از آیاتی که می‌توان به اشاره عباراتند از: روم / ۲۱، فرقان / ۵۴ و ...

۶-۲. فرزند پروری اسلامی

در آیات قرآن کریم، باروری هدیه‌ای از سوی خدا به بندگان و پیروان شایسته معرفی شده است. قرآن کریم در مورد حضرت زکریا در آیه ۸۹ سوره انبیاء فرموده است: «و

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸
 زکریا إذ نادى ربه رب لا تذرنى فردا و أنت خير الوارثين؛ و در آیه ۳۸ آل عمران می‌فرماید «هنالك دعا زکریا ربه قال رب هب لى من لدنک ذریه طیبه إنک سمیع الدعاء»؛ قرآن کریم از استجاب دعای حضرت زکریا برای طلب فرزند در آیه ۹۰ انبیاء این‌گونه یاد می‌کند «فاستجبنا له و وهبنا له یحیی» از این آیات فوق می‌توان برداشت کرد که اولاً فرزند معین پدر در امر دین و دنیا است و همچنین درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست و ارزش ذریه و فرزندان، به پاکی آن‌هاست.

۶-۳. آموزش و پرورش اسلامی

خدای تبارک و تعالی در یک سطر آموزش و پرورش را ذکر می‌فرماید. و در هیچ چیز از امور دنیایی خدا نفرموده است که من منت بر مردم گذاشتم، لکن در قضیه آموزش و پرورش می‌فرماید که «لقد من الله على المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم يتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة»^۱ (آل عمران/۱۶۴).

خدای تبارک و تعالی در مورد تزکیه، در مورد تعلیم، تربیت، آموزش و پرورش با تعبیر منت گذاشتن بر مردم می‌فرماید. منت گذاشته و پیغمبر را برای آموزش و پرورش فرستاده، و پرورش را قبل از آموزش ذکر می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الأمیین رسولا منهم يتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة و إن کانوا من قبل لفی ضلال مبین»^۲ (جمعه/۲) اول تزکیه است. البته آیه شریفه آیه‌ای است که اگر بخواهد

۱. و زکریا را یاد کن آن هنگام که پروردگار خویش را ندا داد، پروردگارا! مرا تنها مگذار که تو از همه بازماندگان بهتری.

۲. در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم)، پروردگار خویش را خواند و عرض کرد «خداوند! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما، که تو دعا را می‌شنوی!

۳. به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعا پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند

۴. اوست که در میان مردم عرب که خواندن و نوشتن نمی‌دانستند، پیامبری از خودشان برانگیخت؛ پیامبری که آیات خدا را بر آنان تلاوت می‌کند و آنان را به وسیله کارهای شایسته و اخلاق نیکو

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

در اطرافش بحث بشود، طولانی باید باشد. لکن من یک کلمه را عرض می‌کنم که وضع آموزش و پرورش را این آیه شریفه به ما می‌فرماید و محتاج به شرح و تفصیل است. با آن تعبیر من الله علی المؤمنین^۱ فرستادن پیغمبر، از این آیه شریفه استفاده می‌شود که اصل آمدن پیغمبر برای آموزش و پرورش بوده است. آیات را تلاوت کند، آیات را، علمی که از آن علوم به همه (چیز) به طور آیه نظر بشود. آیات را تلاوت کند بر ایشان و تزکیه کند آنها را. آنها را تطهیر کند. نفوس را تطهیر کند، بعد از اینکه تطهیر کرد «هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته ویزکیهم وعلّمهم الكتاب والحکمة وإن کانوا من قبل لفی ضلال مبین^۲» (بقره/ ۲۶۹) پرورش قبل از آموزش است. اگر هم قبل نباشد، همراه باید باشند و رتبه او مقدم است.

۷. راهبرد و ویژگی‌های مهندسی فرهنگی

۷-۱. راهبردهای مهندسی فرهنگی از نگاه قرآن

بی‌گمان، ایمان و خداباوری هنگامی ارزش واقعی خواهد داشت که همه شرایط آن رعایت شود. براساس ادله عقلی و نقلی، پذیرش امامت و ولایت امامان معصوم^(ع) که مدافعان راستین خداباوری هستند، مهمترین شرط خداباوری است. از آیات قرآن کریم درمی‌یابیم که اصل وجود آفریدگار برای این جهان از امور آشکاری است که به دلیل و اثبات نیاز ندارد. از این رو، بیشتر آیه‌های قرآن در زمینه خداشناسی، مربوط به صفت‌های پروردگار و شرک‌زدایی است. در این زمینه، به برخی آیه‌ها اشاره می‌کنیم:

رشد می‌دهد و قرآن و معارف آن را به ایشان می‌آموزد و آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری فرو رفته بودند.

۱. خداوند بر مؤمنان منت نهاد [= نعمت بزرگی بخشید]

۲. و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!

❖ «و لئن سألتهم من خلق السماوات و الأرض و سخر الشمس و القمر ليقولن الله فأنى يؤفكون»^۱ (عنکبوت / ۶۱).

«و لئن سألتهم من نزل من السماء ماء فأحيا به الأرض من بعد موتها ليقولن الله قل الحمد لله بل أكثرهم لا يعقلون»^۲ (عنکبوت / ۶۳).

هر فردی با تماشای جهان هستی در می‌یابد که در هر گوشه و کناری از این جهان پهناور، نظم دقیقی بکار رفته است. با دیدن هر یک از موجودهای گوناگون، به سازمان منظمی پی می‌بریم که برنامه و حساب و قانونی دارد. اگر انسان در فساد فرو نرود و شیطان در قلبش نفوذ نکند و سنگ‌دل نباشد، کافی است چشم بصیرت خویش را بگشاید تا حقایقی را که نشانه‌های خداوند بزرگ است، در پیرامون خود به خوبی ببیند و از آن دریچه، مدام با خداوند در ارتباط باشد.

فلینظر الإنسان مم خلق؛^۳ (طارق / ۵)

لقد خلقنا الإنسان فی أحسن تقویم؛^۴ (تین / ۴).

ایمان به انبیاء و رسالت آنان، به عنوان واسطه میان خلق و خدا، از اصول ایمان به خدا محسوب می‌شود.

«آمن الرسول بما أنزل إليه من ربه و المؤمنون کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرق بین أحد من رسله»^۱ (بقره / ۲۸۵).

۱. و اگر از ایشان بپرسی: چه کسانی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است؟ خواهند گفت: «الله» پس چگونه [از حق] بازگردانیده می‌شوند؟

۲. و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می‌گویند: «الله!» بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» اما بیشتر آنها نمی‌دانند».

۳. پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است.

۴. به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم.

«إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتَجْزِيَ كُلَ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَى^۲» (طه/۱۵)

«وَنُضِعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ^۳» (انبیاء/۴۷)

فلسفه تدرج آموزه‌های قرآن کریم در دو مورد، سیاست تدریج و گام به گام را در پیش گرفته است، یک در ابلاغ و بیان، چرا که می‌توانست یک باره نازل شود، اما مرحله به مرحله و تکه تکه نازل گردیده است؛

«وَقَرَأْنَا فَرَقَانَهُ لِنَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكَّةَ وَنَزَّلْنَاهُ نَنْزِيلًا^۴» (اسراء/۱۰۶)

و دیگر در اجرا و تطبیق نسبت به عادت‌ها و سنت‌هایی که با کشش‌های نفسانی انسان گره خورده است (مشروبات تخدیرکننده، انواع قمار).

تجددگرایی، هر نوع تغییر یا جایگزینی در سطوح هنجاری و سنت‌های اجتماعی باید نسبت به واقعیت‌های آینده و پدیده‌های پیش‌رو گشوده و باز باشد. اراده و اصرار بر ایجاد هنجارها و سنت‌های ثابت و تغییرناپذیر، فرایند اصلاح فرهنگ را با چالش مواجه می‌سازد (فضل‌الله، ۱۳۷۴: ۶۸۸).

ریشه‌گرایی، «اسلام در درمان سنت‌های غلط جاهلی از اصلاح خود سنت‌ها آغاز نکرد، زیرا آنها بر مبانی و ریشه‌های فاسد عقیدتی استوار بودند و تلاش برای درمان آنها از

۱. پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند: «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی‌گذاریم.

۲. لحظهٔ قیامت حتماً فرا می‌رسد، زمان آن را پنهان داشته‌ام! قیامت برای آن است که هرکس پاداش تلاش‌های خود را دریافت کند.

۳. روز قیامت ترازوهای عدل را برقرار می‌سازیم، به هیچ کس کمترین ستم نخواهد شد، اگر عملی به کوچکی و کم‌وزنی خردلی باشد، آن را خواهیم آورد و از نظر دور نخواهیم داشت و البته با حسابگری و حسابرسی، خلأیی باقی نمی‌ماند و چیزی فروگذار نمی‌شود.

۴. و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی بر مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم

❖ بالا قبل از درمان ریشه‌های عمیق آنها تلاش بیهوده بود و از روش الهی به دور است که چنین کار عبثی انجام دهد. اسلام از گره نفس بشر، یعنی گره عقیده شروع کرد و با کندن ریشه بینش و باور جاهلی، بینش صحیح اسلامی را جایگزین ساخت. کاری از ژرفا، ... گره فطرت بشر گره عقیده و باور است و تا زمانی که این گره گشوده نشود، هیچ خلق نیک و تهذیب نفس و اصلاح اجتماعی رخ نخواهد داد ... کلید فطرت بشر اینجاست.» (زحیلی، ۱۴۱۸ ق: ۱۸).

سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

۷-۲. ویژگی‌های کار فرهنگی

کار فرهنگی باید با نام و به یاد خدا باشد «اقرأ باسم ربك الذی خلق^۱» (علق/۱) می‌فهمیم: کار فرهنگی باید با نام خدا و برای خدا باشد.

در کار فرهنگی باید زمان و مکان را در نظر گرفت، مباحث فرهنگی باید زمان و مکان را در نظر گرفت خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قال موعدکم يوم الزینة و أن یحشر الناس ضحی^۲» (طه/ ۵۹).

بعد از این که فرعون معجزات حضرت موسی^(ع) را دید در او تأثیری نگذاشت، تصمیم گرفت با کمک ساحران به مبارزه با فرعون برود به او گفت روزی را برای این مبارزه تعیین کن به دلیل اینکه در آن روز مردم تعطیل باشند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که کار فرهنگی نیاز به زمان و مکان خاصی دارد.

سطح مخاطب را باید در نظر بگیرد «یا ایها الذین آمنوا لا تسئلوا عن أشياء إن تبد لكم تسؤکم و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرآن تبد لكم عفا الله عنها و الله غفور حلیم» (ماعدہ/ ۱۰۱). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد ناراحت و غمگینتان می‌کند (از پیامبر) مپرسید (مانند مدت عمر، مرگ دوستان، زوال ملک و آنچه طبق حکمت و نظام اتم عالم تکوین پنهان است) و اگر

۱. ای رسول گرامی برخیز و قرآن را به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است (بر خلق) قرائت کن.
 ۲. موسی گفت: موعد شما روز عید، روز جشن و آیین باشد، با این شرط که مردم - آن گاه که آفتاب گسترش می‌یابد - آنان را روانه وعده گاه گردانند.

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

هنگامی که قرآن نازل می‌گردد (و فرشته وحی حاضر است) از آنها بپرسید بر شما آشکار می‌گردد. خداوند از آنها (از پرسش‌های ناروای گذشته) درگذشت و خداوند بسیار آمرزنده و بردبار است کار فرهنگی را باید اول از دوستان و نزدیکان شروع کرد «یا ایها الذین آمنوا قوا أنفسکم وأهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة علیها ملائکة غلاظ شداد لا یعصون الله ما أمرهم ویفعلون ما یأمرون» (تحریم ۶).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند.

در کارهای فرهنگی باید در نظر داشته باشیم که باید از خدا کمک بخواهیم «لو أنفقت ما فی الأرض جمیعا ما ألفت بین قلوبهم^۱» (انفال/۶۳).

می‌فهمیم که بهترین نیروی انسانی (پیامبر خدا) اگر تمام امکانات مادی را در اختیار داشته باشد، تا اراده‌ی خدا نباشد، کارایی ندارد. بنابراین نیروی انسانی و وجود امکانات لازم است، ولی کافی نیست و باید از خدا بخواهیم که ما را وسیله‌ی هدایت قرار دهد. همه‌ی مسئولان فرهنگی در هر تصمیم و برنامه‌ریزی نیازمند هدایت الهی هستند. «اهدنا الصراط المستقیم» (فاتحه/۶) اهدنا الصراط المستقیم (خداوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

در قرآن مجید دو نوع هدایت مطرح شده است:

الف) هدایت تکوینی، نظیر هدایت زنبور عسل که چگونه از شهد گلها بمکد و چگونه کندو بسازد. و یا هدایت و راهنمایی پرندگان در مهاجرت‌های زمستانی و

۱. و الفت داد دل‌های مؤمنان را، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت روی زمین می‌خواستی میان آنها الفت دهی نتوانستی، لیکن خدا تألیف قلوب آنها کرد که او مقتدر و داناست.

❖ تابستانی. آنجا که قرآن می‌فرماید: «ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه ثم هدی» بیانگر این نوع از هدایت است.

(ب) هدایت تشریحی که همان فرستادن انبیای الهی و کتب آسمانی برای هدایت بشر است.

انحراف در مسائل فرهنگی مصداق بالاترین ظلم‌هاست.

ومن أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب بأیاته إنه لا یفلح الظالمون (انعام/۲۱)
و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد بود.

برای سپردن مسئولیت فرهنگی، باید لیاقت و ظرفیت افراد مورد توجه قرار گیرد. «الله أعلم حیث یجعل رسالت» (انعام/۱۲۴) و چون آیتی برای (هدایت) آنها آمد گفتند: ما ایمان نیاوریم تا مانند آنچه به رسولان خدا داده شد به ما نیز داده شود. خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد. به زودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت به واسطه مکرری که می‌اندیشیدند بر آنان فرو فرستد می‌فهمیم: برای سپردن مسئولیت فرهنگی، باید لیاقت و ظرفیت افراد مورد توجه قرار گیرد.

باید در کار فرهنگی پایداری و مقاومت داشت «فاستقم كما أمرت» (هود/۱۱۲) پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست.

باید در کار فرهنگی پایدار و مقاوم باشیم و آن را به دلیل اهداف دیگر رها نکنیم. اگر می‌بینیم بعضی از بزرگان وصیت می‌کنند که در مدرسه و یا کتابخانه خود دفن شوند، برای آن است که بگویند عمرم را پای این مدرسه و کتابخانه دادم.

مسئولین فرهنگی باید خود به آنچه می‌گویند و می‌نویسند عمل کنند «لم تقولون ما لا تفعلون» (صف/۲) الا ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

مسئولین فرهنگی باید خود به آنچه می‌گویند و می‌نویسند عمل کنند. وگرنه عالم بی‌عمل، درختی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی نیاز به روح بزرگ دارد «رب اشرح لی صدری» (طه/۲۵) موسی عرضه داشت: پروردگارا، شرح صدرم عطا فرما (که از جفا و آزار مردم تنگدل نشوم) اولین درخواست حضرت موسی از خداوند بعد از رسیدن به نبوت تقاضای سعه صدر بود.

کسانی که کار فرهنگی می‌کنند، باید از دلی نرم و خلقی عالی برخوردار باشند. «لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك» (آل عمران/۱۵۹) به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد. می‌فهمیم: کسانی که کار فرهنگی می‌کنند، باید از دلی نرم و خلقی عالی برخوردار باشند. مسئولان فرهنگی باید افرادی بی‌تکلف و بی‌توقع باشند «و ما أنا من المتكلفين» (ص/۸۶) ای رسول، به امت بگو: من مزد رسالت از شما نمی‌خواهم و من (بی‌حجت و برهان الهی مقام وحی و رسالت را) بر خود نمی‌بندم. می‌فهمیم: مسئولان فرهنگی باید افرادی بی‌تکلف و بی‌توقع باشند.

مسئولان فرهنگی باید نسبت به زیردستان خود متواضع باشند «و اخفض جناحك لمن اتبعك من المؤمنين» (شعراء/۲۱۵) و پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمانیت به تواضع بگستران. مسئولان فرهنگی باید دائما در فکر رشد علمی باشند و خود را فارغ التحصیل ندانند «و قل رب زدنی علما» (طه/۱۱۴) پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفزا. مسئولان فرهنگی باید از پاکیزگی و آراستگی لازم برخوردار باشد. «و ثيابك فطهر» (مدثر/۴) و لباس (جان و تن) خود را از هر عیب و

❖ آرایش پاک و پاکیزه دار. کسی که در فکر ارشاد مردم است، باید از کمالات اخلاقی برخوردار باشد، تا برای دیگران الگو قرار گیرد.

«و إنك لعلی خلق عظیم» (قلم/۴) و در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای. مباحث فرهنگی باید به نحوی روان و آسان القاء شود، که عوام بفهمد؛ «بیان للناس» (آل عمران/۱۳۸) و خواص بپسندد. تغییر فرهنگ و فکر مردم باید با آزادی و انتخاب و آگاهانه و عاشقانه باشد، نه با زور و استبداد این فرعون بود که به پیروان موسی می‌گفت: «چرا بدون اجازه من به او ایمان آوردید.» «أمتتم به قبل أن أذن لك» (اعراف/۱۲۳) «لست علیهم بمصیطر» (غاشیه/۲۲) و آیه: «لا إكراه فی الدین» (بقره/۲۵۶) تو مسلط و توانا بر (تبدیل کفر و ایمان) آنها نیستی. محبوبیت واقعی از طرف خداست، نه آنکه با زرق و برق و دکور و ژست و تابلو و ساختمان و لباس و ماشین و ابزار مدرن بدست بیاید. خوش سابقه بودن مسئول فرهنگی، در اثرگذاری کار او نقش مهمی دارد.

«فقد لبثت فیکم عمرا» (یونس/۱۶) بگو اگر خدا نمی‌خواست هرگز بر شما تلاوت این قرآن نمی‌کردم و او هم شما را به آن آگاه نمی‌ساخت، زیرا من عمری پیش از این میان شما زیستم (که دعوی رسالت نداشتم) آیا عقل و فکرتان را کار نمی‌بندید؟

۸. آسیب‌هایی که می‌تواند یک جامعه را تهدید کند

۸-۱. شکاف طبقاتی میان اقلیت پردرآمد و تهیدست

روابط ناسالم اقتصادی بر بسیاری از مردم تأثیر می‌نهد، شکاف طبقاتی میان اقلیت پردرآمد و اکثریت تهیدست را فزونی می‌بخشد و ممکن است سرانجام اقتصاد کشور را فلج کند؛ بخشی از این عوامل عبارتند از:

۱. توزیع ناعادلانه ثروت:

امام علی^(ع) در این زمینه می‌فرماید: ما جاع فقیر الا بماتع به غنی (حکمت ۳۲۸: ۴۳۵).

۲. انحصار ثروت در دست توانگران و ثروتمندان:

امام در این باره می‌فرماید: «خداوند سبحان غذا و نیاز نیازمندان را در اموال ثروتمندان معین کرده؛ پس هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند، مگر به واسطه اینکه ثروتمندان از حق آنان بهره مند شده‌اند. و خداوند آنها را به دلیل این عمل مؤاخذه خواهد کرد.» (حکمت ۳۲۸: ۴۳۵).

۳. ثروت اندوزی حاکمان و والیان:

امام می‌فرماید: «همانا ویرانی زمین به دلیل تنگدستی مردم است، و تنگدستی مردم، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند.» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۹: ۱۱۰).

۴. حبس مال: (بخل ورزیدن به مال)

امام در این باره می‌فرماید: «از بخیل در شگفتم! به سوی فقری می‌شتابد که از آن می‌گریزد و سرمایه‌ای را از دست می‌دهد که برای آن تلاش می‌کند. در دنیا چون فقیران و تهیدستان زندگی می‌کند؛ اما در آخرت چون سرمایه‌داران محاکمه می‌شود.» (حکمت ۱۲۳: ۴۰۳).

❖ ۵. احتکار:

از نظر امام یکی دیگر از عوامل فقر احتکار و انبار کردن کالا است که معمولاً در اوضاع نابسامان اقتصادی به سبب عواملی مانند جنگ و شیوع بیماری و... به امید بالا رفتن قیمت‌ها انجام می‌شود.

امام در نامه بسیار ارزشمند خود به مالک اشتر مطالبی را در مورد قضات و کارگزاران بیان می‌دارند که از مفهوم آنها می‌توان این گونه استفاده نمود که نپرداختن حقوق کافی به کارگزاران، موجب نیاز آنها به مردم و در نتیجه باعث رشوه خواری و فساد اداری می‌گردد: «با جدیت هرچه بیشتر قضاوت‌های قاضی خویش را بررسی کن، و در بذل و بخشش مال به او سفره سخاوت را بگستر، آنچنان که نیازمندیش از بین برود و حاجت و نیازی به مردم پیدا نکند.» و در جای دیگر می‌فرماید: «سپس حقوق کافی به آنها بده! زیرا این کار، آنها را در اصلاح خویش تقویت می‌کند، و از خیانت در اموالی که زیر دست آنها است، بی‌نیاز می‌سازد.» (نامه ۵۳: ۳۶۱) از بخشی از این فرمایش چنین برمی‌آید که اگر کارمندان با وجود تأمین نیاز، خیانت کنند باید آنان را سرزنش کرد در غیر این صورت، سرزنش آنان سودی ندارد. در بسیاری از متون دیگر نیز حضرت علی^(ع) دستور می‌دهد که باید زندگی کارمندان دولت تأمین باشد.

۸-۲. افراط و تفریط

یکی از آسیب‌هایی که مهندسی فرهنگی را تهدید می‌کند افراط یا تفریط در این مقوله است. مقصود از افراط، کنترل شدید و بسیار سخت گیرانه نسبت به عناصر تشکیل دهنده فرهنگ و مقصود از تفریط رهاکردن این عوامل به حال خود می‌باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «ما نمی‌خواهیم با نگاه افراطی به مقوله فرهنگ نگاه کنیم. بایستی نگاه معقول اسلامی را ملاک قرار داد.» (مقام معظم رهبری - دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۱) «ما نه معتقد به ولنگاری و رهاسازی هستیم، که به هرج و مرج خواهد انجامید، نه معتقد به سختگیری شدید، اما معتقد به نظارت، مدیریت، دقت در برنامه ریزی و شناخت درست از واقعیات

هستیم.» (مقام معظم رهبری - دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸/۱۰/۸۳).

۹. فرهنگ ایثار

ایثار از برجسته‌ترین فضایل و ارزش‌های انسانی است که در قرآن و سخنان نورانی پیشوایان اسلام، از آن ستوده شده است؛ از جمله قرآن کریم دربارهٔ ایثار جانی حضرت علی^(ع) می‌فرماید: «و برخی از مردم برای به دست آوردن خشنودی خدا جان خویش را فدا می‌کنند» (بقره / ۲۰۷) و در دیگر جای درباره ایثار مالی خاندان پیامبر اعظم می‌فرماید: «غذای خویش را با آن‌که، آن را دوست دارند، به مسکین و یتیم و اسیر می‌خورانند» (انسان / ۸). همچنین از «انصار» - که در حال فقر، از برادران مهاجر خود، با تقسیم اموال و خانه‌های خویش پذیرایی کردند و آنان را بر خود مقدم داشتند - این گونه تمجید می‌کند: «دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود، فقیر و نیازمند باشند» (حشر / ۹). در روایات از ایثار با عناوینی همانند: بالاترین مکارم اخلاقی (تمیمی آمدی، ۵۴: ۱۴۱۰)، بالاترین مراتب نیکوکاری (تمیمی آمدی، ۴۹: ۱۴۱۰)، بالاترین درجات ایمان (تمیمی آمدی، ۹۰: ۱۴۱۰) و بهترین عبادت (تمیمی آمدی، ۶۱: ۱۴۱۰) ارزش گذاری شده است و در فرهنگ اسلام، کسانی شایسته نام برداری به فضیلت، مروت و فتوت هستند که از این خصلت ارجمند، برخوردار باشند.

پیامبر اسلام^(ص) و اهل بیت^(ع) آن بزرگوار - که کامل‌ترین انسان‌ها هستند - از بالاترین مراتب ایثار، برخوردارند و در این خصلت زیبای انسانی و اسلامی، سرمشق دیگران‌اند. پیروان راستین آنان نیز از این خصلت، بهره‌ وافر داشته‌اند و دارند. امام حسن مجتبی^(ع)، در توصیف همنشینان پیامبر خدا می‌فرماید: «یوقرون الکبیر، و یرحمون الصغیر، و یؤثرون ذا الحجة؛ به بزرگترها احترام می‌گذارند، با کوچک‌ترها مهربان‌اند و نیازمند را بر خود ترجیح می‌دهند» (صدوق، ۱۳۷۸: ج ۱، ۳۱۸).

❖ ۹-۱. انواع ایثار

ایثار، انواع فراوانی دارد که برای نمونه؛ مهمترین آنها بیان می‌شود:

❖ ۹-۱-۱. ایثار در مال

بررسی متون دینی نشان می‌دهد که در قرآن و حدیث، بیشترین کاربرد کلمه «ایثار» و آنچه این معنا را می‌رساند، در ایثار مالی است و این، بدان جهت است که نیازهای مالی، از گسترده‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای انسان است. ایثارگر تنها آن قسمت از اموالش را که به شخص خودش اختصاص دارد، می‌تواند ایثار کند و چنین حقی را نسبت به اموالی که باید صرف هزینه افراد تحت تکفل خود کند، ندارد و بخشش نفقه افراد یاد شده، نه تنها ایثار محسوب نمی‌شود، بلکه ناپسند و ممنوع است.

❖ ۹-۱-۲. ایثار در جان

اهمیت و ارزش ایثار در جان، فراتر از ایثار در مال است. کمتر کسی است که حاضر شود زندگی دیگری را بر زندگی خود مقدم بدارد. حتی فرشتگان برجسته‌ای، مانند جبرئیل و میکائیل از این نوع ایثار تن می‌زنند (کراجکی، ۱۴۱۰: ج ۲: ۵۵) ایثار در جان، مرتبه انسان کامل است. از این‌رو؛ ایثار امام علی^(ع) در لیلۃ المبیت مورد ستایش خداوند متعال قرار می‌گیرد و خداوند، این چنین در نزد فرشتگان به آن مباحثات می‌کند: «و کسانی از مردم، جانشان را برای به دست آوردن رضای خدا، سودا می‌کنند» (بقره: ۲۰۷).

ایثارگران به واسطه ایمان راستین، به راحتی در صف مجاهدان راه خدا درآمده و با ایثار جان و مال، دین خدا را یاری می‌کنند. کسی که جان برکف از اسلام و مرزهای اسلامی دفاع می‌کند، خود را به آب و آتش می‌زند و چه بسا خون پاکش در راه پاسداری از اسلام و ارزش‌های اسلامی ریخته شود، بالاترین درجه ایثار و محبوب‌ترین مقام را نزد خدا دارد؛ چنان‌که رسول خدا^(ص) درباره ارزش خون پاک

شهیدان راه خدا می‌فرماید: «هیچ قطره‌ای در پیشگاه خداوند، محبوب‌تر از قطره خونی نیست که در راه خدا ریخته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵، ۵۳).

۹-۱-۳. ایثار در دعا

از نکته‌های آموزنده در سیره اهل بیت عصمت و طهارت^(ع)، مقدم داشتن دیگران در دعا است. امام کاظم^(ع) از پدرانش چنین روایت کرده است: «فاطمه^(س) هرگاه دعا می‌کرد، برای زنان و مردان پرهیزگار، دعا می‌کرد و برای خودش دعا نمی‌کرد. به ایشان گفته شد: ای دختر پیامبر خدا! شما برای مردم، دعا می‌کنی و برای خودت دعا نمی‌کنی؟ فرمود: اول، همسایه، بعد، خانه!» (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۸۲). پیروان برجسته اهل بیت^(ع) نیز از فضیلت این نوع ایثار، برخوردار بودند.

۹-۲. عوامل ایثار

عواملی که بر ایثار، مساعدت می‌کنند، عبارتند از:

۹-۲-۱. بزرگداشت حقوق:

اگر حقوق در نظر انسان، بزرگ داشته شود، آن را یکسره رعایت می‌کند و به آن جامه عمل می‌پوشاند و تباه کردن آن را ناگوار می‌داند و می‌داند که اگر به مقام ایثار نرسد، حقوق را چنان که شایسته است، رعایت نکرده است. بنابراین، ایثارش را برای مراقبت از حقوق قرار می‌دهد؛

۹-۲-۲. نفرت از خست:

هرگاه انسان از خست، نفرت پیدا کند و آن را زشت بشمارد، خود را به ایثار ملزم می‌کند و راهی برای نجات از این نفرت کینه آلود، جز با ایثار نمی‌یابد؛

۹-۲-۳. تمایل به مکارم اخلاقی:

انسان بر حسب تمایل به خصلت‌های خوب اخلاقی ایثار می‌ورزد، برای اینکه ایثار، برترین درجه خصلت‌های بزرگوارانه اخلاقی است (بن‌حمید، بی‌تا: ج ۳، ۶۳۰).

❖ ۹-۳. آثار و برکات ایثار

ایثار نقطه مقابل استثثار (انحصارطلبی) است. هرچه استثثار برای جامعه مطلوب انسانی زیانبار و برای وحدت و انسجام آن ویرانگر است؛ ایثار، سودمند و سازنده است. اسلام، در مقابل مکاتب مادی - که فرهنگ خودخواهی و خودپرستی را تبلیغ و ترویج می‌کنند - خودخواهی را ریشه مفاسد فردی و اجتماعی می‌داند و با ترویج فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی می‌خواهد این ریشه خطرناک را بخشکاند. البته با نگاهی دقیق و عمیق در می‌یابیم که اسلام با این اقدام خودخواهی فطری انسان را هدایت و منافع واقعی و دراز مدت او را فراهم کرده است. ایثارگر، علاوه بر مزین شدن به بهترین فضیلت‌های اخلاقی و دستیابی به مقامی والا و ارجمند به برکات متعددی نیز می‌رسد که برخی از آنها بیان می‌شود:

❖ ۹-۳-۱. رستگاری

قرآن کریم در انتهای آیه ایثار، برکات فردی و اجتماعی آن را در جمله‌ای خلاصه کرده، می‌فرماید: «و آنها که از خست نفس خویش مصون بمانند، آنان همان رستگارانند» (حشر: ۹). فلاح و رستگاری، از مهمترین برکات ایثار و مبارزه با خودخواهی و خست است و آن عبارت است از: کامیابی و رسیدن به همه خواسته‌های حقیقی فردی و اجتماعی؛

❖ ۹-۳-۲. کمال اخلاقی

ایثارگر قبل از ایثار، فرومایگی‌هایی همانند بخل، حرص، مال دوستی و ... را زیر پا نهاده، سپس از مرز فضیلت‌هایی چون پرداخت حقوق، سخاوت، انفاق و احسان نیز گذشته تا به مرز ایثار رسیده است. از این رو، امام علی^(ع) می‌فرماید: «مکارم اخلاقی، جز با عفت و ایثار کامل نمی‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۷۸۱). انسان‌های ایثارگر خود را می‌سازند و منافع حقیقی و همیشگی خود را فراهم می‌کنند و به تعبیر قرآن کریم: «اگر نیکی کنید، به خودتان نیکی کرده‌اید» (اسراء/ ۷). به عکس، مادی‌گرایان و خودخواهان، خود را تباه می‌کنند و منافع حقیقی و همیشگی خود را از دست

بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن... ❖ ۱۷۱

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

می‌دهند و به تعبیر دقیق قرآن کریم، فراموشی خدا فراموشی خویش است: «خدا را فراموش کردند. خداوند هم آنان را دچار خودفراموشی کرد» (حشر / ۱۹)؛

۹-۳-۳. سروری

امام علی^(ع) می‌فرماید: «با ایثار دیگران بر خویشتن، سروری می‌یابی» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۰۲)؛

۹-۳-۴. ارفاق و بهشت الهی

خداوند متعال در مناجات با موسی^(ع) - پیرامون ایثارگران - فرمود: «ای موسی! هر یک از آنان (ایثارگران) هر عملی که در عمر خویش انجام داده باشد، از محاسبه آن چشم می‌پوشم و هر جای بهشت را که بخواهد، او را اسکان می‌دهم» (أبی فراس، ۱۴۱۰: ج ۱، ۱۷۳)؛

۹-۳-۵. محبوب خدا و خلق

گسترش فرهنگ ایثار در جامعه، نه تنها منافع شخصی ایثارگران را تهدید نمی‌کند، بلکه آنان را محبوب خدا (أبی فراس، ۱۴۱۰، ج ۴: ۴۱) و خلق (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۰۲) می‌کند و موجب دستیابی آنان به بهترین زندگی‌ها در جهان جاوید می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۷، ۲۱۱ - ۲۱۲). علاوه بر این، ریشه مفاسد اجتماعی را نیز می‌سوزاند و منافع مادی و معنوی جامعه بشر را فراهم می‌کند.

۱۰. بحث و نتیجه‌گیری

ایثار و از خودگذشتگی از مکارم اخلاق اجتماعی در زندگی و از مهمترین فضایل اخلاقی است؛ از این رو؛ برای هدایت جامعه و در همه زمان‌ها و موقعیت‌ها، موعظه و راهنمایی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید در مواردی ایثار کرد و متخلق به این اخلاق الهی شد.

ایثار و فداکاری که پای گذاردن بر هوای نفس است، به وارستگی از دنیا و رفع تعلقات مادی می‌انجامد. انسان با مقدم داشتن دیگران روح خود را از اسارت خواهش‌های دنیوی می‌رهاند. ایثار جان انسان را از تلاطم در مقابل کم و زیاد زخارف دنیا حفظ می‌کند و ظرف وجودی او را می‌گستراند. تلطیف روح برای رسیدن به کمال و ایجاد روحیه وارستگی حاصل این تلاش اخلاقی است. از این‌رو، رشد انسان، در سایه ایثار و سخاوت است که نشانگر نوع دوستی و دلسوزی و محبت است. اگر همه مردم از امکانات یکسان برخوردار باشند، زمینه‌ای برای بروز این کمال اخلاقی؛ یعنی ایثار و نشانه‌های آن، باقی می‌ماند.

اگر خاستگاه دین فرهنگ باشد، دین جزئی از فرهنگ خواهد بود و در بخش باورها قرار خواهد گرفت و حق دخالت در سر منشأ خویش را نخواهد داشت. برای نمونه، به باور آنان که خاستگاه دین را فرهنگ می‌شناسند، در عصر عرب جاهلی مردم باورهایی داشتند و در روابط خویش با یکدیگر از اصولی پیروی می‌کردند. این فرهنگ به دین جدید رخنه کرد و در آیات وحی جلوه کرد. برای نمونه، مجازات‌هایی که عرب جاهلی برای خلافکاران داشت در آیات وحی جلوه‌گر شد، چنان‌که رفتار ایشان در باب عقود و ایقاعات نیز در دین بروز و ظهور یافت و گاه تغییراتی در آن عناصر فرهنگی عرب جاهلی به وجود می‌آمد.

توجه به این موضوع اگر در عصر جدید دین را یک امر فطری بشناسیم، این دین می‌تواند و باید در فرهنگ دخالت کند؛ زیرا پیشینه فرهنگ نشان داده است که فرهنگ همیشه با فطرت انسان‌ها یا دست کم با آنچه به‌عنوان فطرت شناخته شده است، هماهنگ بوده است و یکی از منابع اصلی شکل‌گیری آن فرهنگ بوده است و هیچ‌گاه میان فرهنگ و فطرت انسانی ناسازگاری رخ نداده است و اما اگر دین را محصول فرهنگ بشناسیم، در این صورت پر واضح است که دست کم در مرحله نخست شکل‌گیری دین، فرهنگ نقش بسیار برجسته‌ای خواهد داشت و دین یک

بایسته‌های مهندسی فرهنگ در جامعه از منظر قرآن... ❖ ۱۷۳

❖ سال اول، شماره اول، تابستان ۱۳۹۸

محصول فرهنگی می‌نماید. اما همین دین در مراحل بعد می‌تواند با فرهنگ تعامل داشته باشد و تأثیراتی در فرهنگ بگذارد.

تأمین عدالت اجتماعی، تربیت دینی جامعه، ترویج فرهنگ ایثار، تأمین آزادی برای مردم، تعمین و گسترش و مرزبانی فرهنگ دینی، توجه به حقوق مردم (مرد مسالاری دینی)، انتظارات و مطالعات متقابل دین و مردم، چگونگی دخالت دولت در امور مسایل دینی، راههای اثر بخش توسعه فرهنگی براساس قرآن و سنت و آسیب شناسی فرهنگی و ... و بالاخره باید با توجه به این عوامل و با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان در یک دولت و حکومت اسلامی الگویی ارائه شود که بهتر از الگوی دیگران باشد و این خود الگویی برای دیگر ملل و حکومت‌ها باشد.

منابع و ماخذ

- قرآن کریم
سیدرضی (۱۳۹۴). **نهج البلاغه**، ترجمه محمد دشتی.
- ارسطو (۱۳۷۱). **سیاست**، ترجمه حمید عنایت. چاپ سوم. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- آریان پور، امیرحسین (۱۳۵۷). **زمینه جامعه‌شناسی**، چاپ یازدهم، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، انتشارات امیرکبیر تهران.
- ابراهیمی، علی و محمدحسین طاهری (۱۳۸۶). **برنامه‌ریزی فرهنگی، اصل نخستین در مهندسی فرهنگی**، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی، چاپ اول، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران.
- ابراهیمیان، سیدحسین (۱۳۹۱). «بازخوانی مفهوم مهندسی فرهنگی و آسیب‌شناسی فرهنگی در نظام آموزش عالی»، **فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال دوم، شماره ۵: ۱۵۰-۱۲۱.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۴). **جامعه‌شناسی توسعه**، انتشارات کیهان.
- افلاطون (۱۳۷۴). **جمهوری**، ترجمه فؤاد روحانی، چاپ ششم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن فارس، أحمد (۱۴۰۴) **معجم مقاییس اللغة**، چاپ اول، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). **لسان العرب**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). **فرهنگ بزرگ سخن**، تهران: نشر سخن.
- برزگر کلیمشی، ولی‌الله (۱۳۷۲). **جامعه از دیدگاه نهج البلاغه**، چاپ اول، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- بن حمید، صالح (بی‌تا). **موسوعة النضرة النعميم في مكارم اخلاق الرسول الكريم ۹، جده، دار الوسيله**، چاپ چهارم.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۶۲). **برهان قاطع**، به اهتمام محمد معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۴۱۰). **غررالحکم و دررالکلم**، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الإسلامی.

- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). **سیر مدیریتی نبوی**، تهران: دریا.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۲). **لغت‌نامه**، زیر نظر محمدحسین معین و جعفر شهیدی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پورتر، ریچارد، سامووار، لاری و استفانی، لیزا (۱۳۷۹). **ارتباط بین فرهنگ‌ها، ترجمه غلامرضا کیانی و سیداکبر میرحسینی**، چاپ اول، تهران: انتشارات باز.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، جلد ۳، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶) **الامالی**، چاپ ششم، تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸) **عیون اخبار الرضا**، چاپ اول، تهران: نشر جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵) **علل الشرائع**، چاپ اول، قم: کتاب فروشی داوری.
- کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰) **کنز الفوائد**، چاپ اول، قم: انتشارات: دارالذخائر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷) **الکافی**، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- طوسی، نصیرالدین (۱۳۶۰). **اخلاق ناصری**. چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
- عاملی، محمدبن مکی (شهید اول). **القواعد و الفوائد**، جلد ۲، چاپ اول، قم: انتشارات مفید، بی‌تا.
- فارسی، جلال‌الدین (۱۳۷۴). **فرهنگ واژه‌های انقلاب اسلامی**، چاپ اول، بنیاد فرهنگی امام رضا (ع) مشهد.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹). **تفسیر من وحی القرآن**، جلد ۸، بیروت: دارالملاک للطباعه والنشر.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). **بحار الانوار**، چاپ دوم، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مشیری، فرشید (۱۳۶۹). **فرهنگ زبان فارسی (الفبایی، قیاسی)**، تهران: انتشارات سروش.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴). **جامعه و تاریخ**. چاپ هفدهم. تهران: انتشارات صدرا.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، بیروت، انتشارات موسسه آل‌البتیت علیهم السلام لإحیاء التراث.